



گزارش ویژه «فرهیختگان»: ماجرای ۲ دیدار نماینده ویژه کاخ سفید در امور ایران با یک استاد معروف ایرانی

رابرت مالی در دبی دنبال چه بود



صادق امامی

دبیرگروه بین‌الملل

چرا مجوز صلاحیت رابرت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران تعلیق شد و او تا پایان تحقیقات به مرخصی اجباری رفت؟ به جز جو بایدن رئیس‌جمهور و آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا و چند نفر دیگر، کسی پاسخ این سوال را نمی‌داند. حتی نمایندگان کنگره نیز از اینکه چه اتفاقی افتاده بی‌اطلاعند. آنها هم احتمالاً در هفته دوم تیرماه از وبگاه شبکه خبری سی‌ان‌ان متوجه شدند که چه اتفاقی افتاده است. در همین دو هفته، بسیار در این باره گمانه‌زنی شده است اما هیچ منبعی حاضر نیست که واقعبت ماجرا را تا پایان تحقیقات اعلام کند. در این زمینه یک منبع آگاه به «فرهیختگان» گفته است علت تعلیق مجوز امنیتی رابرت مالی به دلیل مذاکرات محرمانه‌ای است که وی در دبی با طرف ایرانی داشته است. آن‌طور که این منبع آگاه گفته مالی در دو بازه متفاوت، دو دیدار با یکی از اساتید دانشگاه تهران داشته‌است. این منبع از جزئیات مذاکرات سخنی نگفت اما مدعی است ه در جریان مذاکرات، پیشرفت‌هایی نیز حاصل شده و طرفین به نتایجی دست پیدا کرده‌اند اما به‌یکباره وبدون اعلام قبلی، مذاکرات متوقف می‌شود. روزنامه انگلیسی زبان «تهران تایمز» در گزارشی درباره چرایی برکناری رابرت مالی، گذرا به جلسات مالی با «ایرانیانی» پرداخته که «رذپای آنان را طی سال‌های اخیر می‌توان در دیپلماسی واشنگتن در قبال تهران، به‌طور آشکار دید.» این روزنامه احتمال داده است که «شاید رابرت مالی در ارتباط با این افراد و صحبت‌های رد و بدل شده بین آنها، اصول حفاظتی را رعایت نکرده و نکاتی را

مطرح کرده که اجازه طرح آنها را نداشته است.» احتمال اینکه فردی با سوابق رابرت مالی، اشتباهی در این سطح انجام دهد، کمی دور از ذهن است اما با این حال رسانه‌های غربی مدعی هستند که مالی متهم به «کوتاهی در نگهداری اسناد محرمانه»

است و از همین رو نیز صلاحیت مجوزهای امنیتی‌اش تعلیق و او به مرخصی بدون حقوق فرستاده شده است. از هفته‌ها قبل تحقیقات در این زمینه آغاز شده و اکنون نیز در رسانه‌ها اخباری از ورود افسبی‌آی به این پرونده منتشر شده است. با این حال



اما تا به امروز وزارت امور خارجه آمریکا ضمن حمایت از مالی، حاضر نشده آن‌گونه که «مک کال»، رئیس کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان آمریکا مدعی است، به این سوال که «چرا مجوز امنیتی فرستاده ویژه آمریکا در امور ایران به حال تعلیق درآمد،

گزارش

فرهیختگان را در چند دهه گذشته طیف وسیعی از دیدگاه‌ها در مورد آفریقا مطرح بوده است؛ کودک نیازمند توسعه، قدرت اقتصادی در حال رشد، تهدیدی قریب‌الوقوع، تهدید تروریسم، فقر، مهاجرت اجباری و بیماری. اما اکنون وضع فرق کرده است و آفریقا تحولی شگرف را در دهه‌های اخیر تجربه کرده است. در سرتاسر آفریقا؛ حکومتداری از سال ۲۰۰۰ به‌طور قابل توجهی بهبود یافته است. ۳۴ کشور که ۷۲درصد از شهروندان آفریقا را در خود جای داده‌اند، عملکرد حکمرانی خود را در ۱۰ سال گذشته بهبود بخشیده‌اند و پیشرفت‌های قابل توجهی در مشارکت، حاکمیت قانون و حقوق دیده شده است. آفریقا در حال شکل دادن به سرزوش خود است تا از «تهدید آفریقایی» به «فرصت آفریقا» تبدیل شود. با به رسمیت شناختن آفریقا به عنوان یک فرصت و نه یک تهدید، دولت‌ها برای نفوذ در آفریقا، رقابت سنگینی را آغاز کرده‌اند. در اواسط دسامبر ۲۰۲۲، جو بایدن، رهبران کشورهای آفریقایی را به نشست در واشنگتن دعوت کرد. در این نشست آنها همکاری با ایالات متحده را در مورد راه‌حل مشکلات اقتصادی، مدنی و امنیتی مورد بحث و بررسی قرار دادند. نشست سران و سفرهای اخیر مقامات بلندپایه دولت بایدن به آفریقا نقطه اوج تلاش‌های کاخ سفید برای تقویت روابط بین ایالات متحده و قاره آفریقا در ابعاد مختلف بود. دولت بایدن به دنبال تقویت همکاری‌های دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی برای جلوگیری از نفوذ چین و روسیه در آفریقا است. در کنار این قدرت‌های بزرگ، باید تلاش‌های امارات، عربستان و ترکیه برای نفوذ در این قاره اشاره کرد. با روی کار آمدن دولت رئیسی در ایران و پس از وقفه‌ای بیش از یک دهه، ایران نیز به دنبال توسعه روابط و احیای نفوذ سابق خود در قاره آفریقا است. برخلاف رئیس دولت سابق که هیچ سفری به قاره آفریقا نداشت، رئیسی در میانه عمر دولتش، روز گذشته سفرش به ۳ کشور کنیا، اوگاندا و زیمبابوه را آغاز کرد. این نخستین سفر رئیسی به آفریقا است اما با توجه به نگاه ویژه دولت به این قاره، احتمالاً تا پایان سال رئیس‌جمهور سفرهای دیگری نیز به این قاره خواهد داشت. این البته نخستین گام دولت در این چهارچوب نیست. اجلاس اقتصادی ایران و آفریقای غربی در تهران که ۱۶ اسفندماه برگزار شد، نشانه دیگری از تلاش دولت برای تقویت روابط خود با کشورهای آفریقایی و تقویت جایگاه خود به ویژه در غرب این قاره است. همین رویکرد نیز نگرانی تحلیلگران صهیونیست را در پی داشته و آنها را واداشته تا از دولت بایدن بخواهند با همکاری کشورهای آفریقایی و احتمالاً کشورهای خلیج فارس که از توسعه ایران بسیار آشنفته هستند، یک برنامه کاری منظم «برای» کاهش نفوذ ایران در آفریقا و جلوگیری از استفاده ایران از کشورهای آفریقایی برای دستیابی به منافع خود» آماده کند. تا پیش از این سفر، دولت رئیسی موفق شده بود که حجم تجارت ایران با قاره آفریقا را از ۶۰۰ میلیون دلار به ۱٫۲ میلیارد دلار توسعه دهد. این عدد در برابر ظرفیت هزار و ۲۰۰ میلیارد دلاری آفریقا ناچیز به شمار می‌رود اما آن‌گونه که رئیسی پیش از عزیمت به کنیا گفته است، دولت به دنبال افزایش سهم ایران از اقتصاد آفریقا است. در همین چهارچوب دولت رئیسی، در حوزه دیپلماسی نیز گام‌های قابل توجهی برداشت و چندین سفارتخانه ایران را که در گذشته تنزل پیدا کرده بود، مجدد ارتقا داد و سفرای ایران در آنها مستقر شدند. در آفریقا همانند آمریکای لاتین، اولویت دولت صادرات فناوری به کشورها و تثبیت چهره ایران به عنوان قدرتی تکنولوژیست است. اگر چه آفریقا عمدتاً در صنعت پیشرفته نیست اما این قاره در حوزه کشاورزی و دامداری، ظرفیت بالقوه‌ای دارد که ایران می‌تواند بخشی از نیاز خود به محصولات کشاورزی و دامی را از این قاره تأمین کند.

اهمیت حضور ایران در آفریقا

ارتباطات یک کشور با دولت‌های دیگر باید در چهارچوب چنگاونه اقتصادی و سیاسی دیده شود. در این چهارچوب حتی می‌توان به بررسی تبعات ژئوپلیتیکی یا ارتباطات تاریخی نیز پرداخت؛ چه‌اینکه روابط تاریخی می‌توانند نشان‌دهنده نیاز به احیا و نه ایجاد نفوذ باشند. بر همین اساس تلاش شده ابعاد روابط ایران با قاره آفریقا با تمرکز بر شرق این قاره، مورد بررسی قرار گیرد.

اقتصادی

ارتباط با کشورهای پیشرفته جهان یک نیاز بزرگ است اما یک کشور نباید ارتباطات خود را با آن محدود سازد. این کشورها می‌توانند خریدار برخی کالاهای مصرفی بسیار ارزان قیمت از کشورهای مانند چین، هند، اندونزی و ویتنام باشند؛ کشورهایی که به دلیل نیروی کار فراوان هزینه‌های تولید پایینی دارند. آنها همچنین به واردات انرژی می‌پردازند. در مقابل اما کشورهای پیشرفته به دلیل بهره‌مندی از

پس از یک دهه رئیس‌جمهور ایران به قاره سیاه سفر کرد

سلام بر آفریقا



فناوری، واردکننده توسعه نیستند. ایران که مزیت‌هایی مانند صادرات انرژی، مواد معدنی و همچنین صادرات خدمات فنی و مهندسی دارد، نمی‌تواند خدمات توسعه‌های خود را به کشورهای پیشرفته صادر کند. بر همین مبنا تهران امیدوار است بتواند چنین خدماتی را در اختیار کشورهایی که کم‌توان‌تر به حساب می‌آیند، قرار دهد. این تنها یک زاویه از برجستگی‌های اقتصادی آفریقا برای ایران است. مزیت دیگر هزینه‌های پایین استخراج برخی از معادن و همچنین کشاورزی است. گفته می‌شود برخی از زمین‌های کشاورزی شرق آفریقا چند بار در سال قابلیت کشت دارند. کشورهای زیادی از جمله چین، ژاپن، کره جنوبی، عربستان سعودی و امارات طرح‌هایی را در حوزه کشت سرزمینی در در کشورهای مانند سودان، اتیوپی، موزامبیک و کنیا، ایجاد کرده‌اند.

علی‌رغم زمینه‌های اقتصادی فراوان در آفریقا سهم ایران از بازار هزار و دویست میلیارد دلاری این قاره تنها یک میلیارد و دویست میلیون دلار یا یک هزارم آن است. این درحالی

است که روابط تجاری تهران با این قاره در صورت توجه دولت قابل افزایش به سطح ۱۰ میلیارد دلار در کوتاه‌مدت است.

سیاسی

قاره آفریقا دارای ۵۴ کشور است که در سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی عضویت دارند. ارتباطات دیپلماتیک با آنان می‌تواند به نوعی اجتماع در سازمان‌های بین‌المللی علیه ایران را که کشورهای غربی در پشت آن قرار دارند، متزلزل سازد. همچنین این کشورها به دلیل سابقه استعمار بعضاً دارای رویکردهای ضدامپریالیستی هستند. عدم حضور و ارتباطات تهران با این کشورها می‌تواند آنها و آرای‌شان را به سمت دیدگاه‌های غربی و صهیونیستی بکشاند. تل‌آویو مدت‌هاست با صادرات تجهیزات فنی و مهندسی در حوزه آب و کشاورزی ضمن کسب درآمد، وجهه خود را از طریق توسعه قاره آفریقا در جهان بهبود داده و علاوه بر آن کوشیده این کشورها را علیه تهران تحریک سازد.

ژئوپلیتیکی

شرق آفریقا در مجاورت شبه‌جزیره عربستان قرار گرفته است. شاخ آفریقا که جزئی از شرق این قاره است، مجاورت بیشتری با این شبه جزیره دارد. کشورهای حاضر در این منطقه در قالب شورای همکاری خلیج فارس با حضور کشورهایی مانند کویت و امارات که عربستان سعودی رهبری‌شان را برعهده دارد، سطح دشمنی بالایی با ایران دارند. تهران باید به صورت دائمی چه در زمان صلح و چه در زمان تنش، به دنبال اجرای سیاست مهار آنان باشد. اعراب ثروتمند حاشیه جنوبی خلیج فارس همواره تلاش داشته‌اند همانند اقدامات‌شان در غرب آسیا بر علیه شیعیان، گروه‌های صوفی و همچنین دیدگاه‌های اسلام سیاسی در آفریقا بکوشند. این درحالی است که خنثی‌سازی این اقدامات می‌تواند به افزایش توان جهان اسلام منجر گردد. این کشورها از سوی دیگر آفریقا را به منبع تأمین نیروهای تروریستی برای تزریق به غرب آسیا تبدیل کرده‌اند. این مساله در جریان اقدامات داعش به‌شدت مشهود بود. جذب هزاران تونسلی و مراکشی به این گروه باعث شده بود تا آفریقائتاران بخش قابل توجهی از مبارزان خارجی داعش را در سوریه و سپس عراق تشکیل دهند. پس از شکست داعش نیز تلاش‌شد این گروه برای تداوم حیات به آفریقا منتقل گشته و خود را در این قاره تقویت کند؛ اقدامی که در پشت آن ایجاد دامگی برای اقدامات آتی در غرب آسیا نیز نهفته بود. موضوع دیگری که مهار اعراب خلیج فارس و به‌طور خاص عربستان را در آفریقا ضروری می‌سازد، تلاش‌های این کشور برای هیمنه بر جهان اسلام و نمایش رهبری‌اش بر مسلمانان است. عربستان سعودی قادر به تأثیر بر محور مقاومت به رهبری ایران نیست و از سوی دیگر ترکیه و متحدان ترک‌نژادش در آسیای میانه و قفقاز را نیز نمی‌تواند به زیر خیمه خود بکشد. از این رو سعودی‌ها قصد دارند با تمرکز بر اماکن مقدس موجود در دو شهر تاریخی مسلمانان در خاک خود -مکه و مدینه- با استفاده از ساختارهایی مانند شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب، خود را سرور جهان اسلام جلوه دهند. با وجود تأثیر بالای این اماکن و ساختارها، آنها برای نمایش سروری سعودی‌ها بر جهان اسلام کافی نیستند. بر همین اساس ریاض امیدوار است با همراه ساختن تعدادی از کشورهای اسلامی در نیمه شمالی قاره آفریقا که در مجاورت غرب آسیا قرار دارند، یک جغرافیای بزرگ و به‌هم پیوسته را ایجاد کند؛ جغرافیایی که می‌تواند خطرات خلافت را در اذهان زنده کند.

سابقه اسلام در شرق آفریقا

از مجموعه گزارش‌های تاریخی پس از ظهور اسلام، این‌گونه به دست می‌آید که شرق آفریقا، همواره محل امنی برای مهاجران و فراریان بوده است. شاید اولین مهاجرت را بتوان هجرت مسلمانان از مکه به حبشه یا اتیوپی امروزی و از آنجا به مناطق جنوبی‌تر دانست؛ زیرا دادمنه حکومت نجاشی، حاکم وقت، به شرق آفریقا «نیز کشیده می‌شده و بر اساس گزارش یعقوبی، زنج -که همان زنگبار امروزی است- جزء قلمرو حکومت نجاشی بوده است. بنابراین، انتقال اسلام برای اولین بار قبل از اینکه به مدینه منتقل شود، به شرق آفریقا بوده است. پس از آن دوره نیز ارتباط میان دو طرف تداوم پیدا کرد. مسلمانان گرچه متوجه دوبرق‌درت آن زمان، یعنی امپراتوری ساسانی و روم شرقی شدند، اما ارتباطات تاریخی میان ساکنان شبه جزیره عربستان با ساکنان شرق آفریقا به ویژه حبشه ادامه یافت. نشانه‌آشکار این ارتباطات، حضور بردگان شرق آفریقا در بازارهای اسلامی بود، به‌گونه‌ای که آنها در دوره عباسیان موفق شدند قیامی با رهبری فردی با نام اعلی بنی محمد ورزینی «که متولد یکی از روستاهای ری بوده و مدعی بود از علویان است، شکل بدهند. به این دلیل که غلامان سیاه در جنوب عراق با مرکزیت بصره، بیشترین حامیان وی را تشکیل می‌دادند، او به «صاحب‌الزنج» یا همان «سالار زنگیان» مشهور شد. تجمع تعداد زیادی از غلامان سیاه در شهر بندری بصره نشان می‌دهد ساکنان این منطقه که در دوره‌ای مرکز استانی از ناحیه فارس گرفته تا سواحل جنوبی خلیج فارس از جمله عمان بوده، ارتباطات تجاری گسترده‌ای با شرق آفریقا داشته‌اند. این ارتباطات باعث می‌شد بردگانی که توسط حاکمان محلی شرق آفریقا به اسارت درآمده و به تاجر مسلمان فروخته می‌شدند، زمینه پذیرش اسلام را در سرزمین‌های اسلامی بیابند. در اثر این رفت‌وآمدها و حضور مداوم مسلمانان در این منطقه (شرق آفریقا) نیز به‌مرور شاهد جمعیت‌های بزرگ مسلمان گشت.

پی‌نوشت

۱- مفتاح، محمد و صفری فروشانی، نعمت‌الله… (۱۳۹۷). «نقش شیرازی‌ها در توسعه تمدن در شرق آفریقا با تمرکز بر تانزانیا»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۱۱، ص ۱۳۰